

چالش ها و موانع تحقق نظام انقلابی تمدن ساز

نویسندگان : محمد نبی زاده^۱

سمیه نبی زاده شهربابک^۲

فصلنامه (علمی-تخصصی) مطهر، سال شانزدهم، شماره ۴۸، بهار ۱۳۹۸

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی نقطه عطفی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی پدید آمد و با دگرگون شدن معادلات حاکم بر زندگی جمعی، فضای مناسبی برای تمدن سازی اسلامی فراهم شد از این رو می توان گفت انقلاب اسلامی فرصتی بی بدیل را در اختیار متولیان نظام اسلامی قرار داد تا الگوی اجرایی تمدن اسلامی را طراحی و مراحل اجرایی آن را قدم به قدم دنبال کنند. نظام انقلابی بر آن است که با بهره گیری از دستاوردهای تمدن اسلامی، به ایجاد تمدنی نوین بپردازد که بتواند تمامی جنبه های تمدنی را دربرداشته باشد. برای حرکت تمدن نوین اسلامی در مسیر صحیح، چالش هایی مانند فرهنگ مهاجم غربی و اختلاف افکنی در میان مسلمانان، و موانعی چون مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان و عدم توجه به عقلانیت دینی وجود دارد. توجه به نقش رهبران دینی، فکری، فرهنگی و گروه های مرجع و نخبگان در هدایت مردم راهکار اصلی فرهنگ سازی در جامعه و مقابله عملی با مشکلات و موانع است. در این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی تدوین شده، ضمن آسیب شناسی به بررسی موانع و چالش های پیش رو در تحقق نظام انقلابی تمدن ساز و تمدن نوین اسلامی پرداخته و راهکار های مناسب برای تهدید های ممکن ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی:

نظام تمدن ساز، نظام انقلابی، گام دوم، تمدن سازی، تمدن نوین اسلامی.

۱. پژوهشگر مرکز علم و تمدن، پژوهشکده شهید صدر، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، nabizadehbabaki@yahoo.com
۲. کارشناسی ارشد، مهندسی کامپیوتر، دانشگاه علوم و تحقیقات، s.nabizadeh92@gmail.com

تمدن اسلامی پس از قرون متمادی درخشش در عرصه جهانی، روندی نزولی را طی نمود، در حالی که جهان غرب پس از انقلاب صنعتی و پیشرفت های تکنولوژیک و ایجاد و بهره برداری از ابزارهای مختلف، قدم های بزرگی در راه آسایش و رفاه زندگی مادی انسان ها برداشت. ضعف های داخلی حکومت های اسلامی و خود کم بینی مفرط ملت های مسلمان در رویارویی با پیشرفت های غرب، باعث گردید عده ای از غرب زدگان راه پیشرفت را در پیروی از این تمدن جدید بدانند. با این وصف، علی رغم تمام پیشرفت های صورت گرفته در ایجاد آسایش مادی، امروزه بشر نتوانسته به آرامش واقعی که همانا آرامش روحی و روانی است دست یابد.

دین اسلام از آغاز ظهور در مسیر تمدن سازی قرار داشت و در کنار دولت های ساختارمندی مانند ایران و روم، ساختارهای تمدنی و سبک زندگی مبتنی بر نظر خداوند بر پا ساخت؛ در مدت زمان کوتاهی شاخصه های پیشرفت جامعه را تحقق بخشید و برای جامعه ساختارهای حقوقی، آموزشی، کشاورزی، اقتصادی، مدیریتی و مانند آن را بنیان نهاد. این ساختارها و برنامه ها موجب تحول و پدید آمدن تمدنی در جامعه جاهلی و بادیه نشین اعراب گردید و آنان را به بزرگترین و اثرگذارترین تمدن تبدیل نمود. اعتقاد به اسلام به عنوان سیستم جامعی که برای تمام ابعاد وجود انسان و جهان، در تمامی زمینه ها برنامه دارد، از مبانی و پیش فرض های امت واحده و تمدن نوین اسلامی است. تمدن نوین اسلامی که جوانه های شکوفایی آن با انقلاب اسلامی ایران پدیدار گردید، در سال های اخیر با بروز جنبش ها و قیام های مردمی در میان ملت های مسلمان جهان که با نام بیداری اسلامی شناخته شده است روندی رو به رشد به خود گرفته است. با الگو برداری از انقلاب اسلامی ایران و مشاهده پیشرفت های شگرفی که با اتخاذ نگرشی نوین در فرایند تمدنی جهان صورت گرفته است، جرقه های بازیابی شوکت و عظمت گذشته تمدن اسلامی زده شده است. با توجه به عدم اقناع فکری و فرهنگی بشر از طریق پیروی و بهره گیری از تمدن های موجود و رویکرد و اقبال گسترده و روزافزون جوامع بشری به اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی که موجبات نگرانی دولت های غربی را نیز فراهم نموده است، لزوم هوشیاری و توجه دقیق در مساله ایجاد، پرورش و گسترش تمدن نوین اسلامی بیش از پیش نمایان است.

در چند قرن اخیر پیشرفت های علم، تکنولوژی، صنعت، اطلاعات و... مرهون تمدن مدرن غرب بوده است. تمدن نوین اسلامی سعی بر آن داشته است که با بهره گیری از ابزارها، مواهب و دستاوردهای مفید تمدن مادی غرب، به ایجاد تمدنی نوین بپردازد که

بتواند تمامی جنبه‌های تمدنی را در برداشته باشد. فرهنگ‌های جاری جوامع، توسعه امکانات ارتباطی و آسیب‌های آن، گروه‌های فکری-اجتماعی مختلف و نیز رویارویی تمدن‌های مستقر جهانی با فرایند تمدن‌سازی نوین اسلامی، باعث بروز آسیب‌ها، چالش‌ها و موانعی بر سر راه این تمدن گردیده است. برای وصول به هدف حرکت تمدن نوین اسلامی در مسیر صحیح خود، ضروری است بررسی گردد که: چه آسیب‌هایی متوجه این تمدن است؟ مهمترین چالش‌های پیش روی آن چیست و چه موانعی بر سر راه آن قرار گرفته است؟

تعریف مفاهیم آسیب، چالش و مانع

اگر بخواهیم به اختصار تعریفی از این سه واژه و تفاوت آنها بیان کنیم می‌توان چنین گفت که آسیب اجتماعی هر نوع رفتاری است که با ارزشهای شناخته شده جامعه در تعارض باشد و باعث اختلال در کارکرد فرد، خانواده یا جامعه بشود. در واقع آسیب مساله‌ای درونی است که از درون تمدن ریشه گرفته و مرتبط با شیوه رفتار مردمان است. از سوی دیگر چالش به مشکلات بزرگ و بغرنجی گفته می‌شود که در مسیر یک جریان یا حرکت ایجاد می‌شود و مقابله با آنها و حل مشکل با دشواری‌های زیادی روبروست. چالش می‌تواند از سوی هر دو نوع عوامل دورنی و بیرونی ایجاد گردد، هرچند اغلب چالش‌ها از بیرون تحمیل می‌شوند. سومین واژه، مانع، همچنان که از خود کلمه بر می‌آید به معنای بازدارنده و جلوگیری کننده است و چیزی است که باعث توقف حرکت و سد شدن یک جریان می‌شود. از این رو و با توجه به تفاوت‌های این سه دسته به بیان مهمترین عوامل هر کدام می‌پردازیم.

آسیب‌های تمدن نوین اسلامی

با عنایت به وضعیت فعلی ملت‌های مسلمان و جوامع اسلامی که در حال طرح ریزی و شکل بخشیدن به این تمدن نوین هستند می‌توان آسیب‌های زیر را بر شمرد:

عدم پیروی از رهبری واحد:

هرگونه حرکت اجتماعی و فرهنگی در حال شکل‌گیری، برای جلوگیری از تشتت و چندگانگی در مسیر حرکت، نیازمند آن است که از مبدا واحدی هدایت و راهبری گردد. در اینجا نباید این موضوع با تک‌محوری اشتباه گرفته شود. تمرکز و یگانه بودن اتاق فرمان چنین حرکت‌هایی لازمه به نتیجه رسیدن آن است. بدین معنا که ضروری است تفکرات و پیشنهادات مختلف و متنوعی که ممکن است از طریق متفکران و اندیشمندان و گروه‌های نخبه جامعه ارائه گردد در مرکز واحدی تجمیع و مورد نقد و بررسی قرار

گرفته و نتیجه نهایی برای اجرا تعیین گردد تا بتواند مورد قبول اکثریت جامعه قرار گیرد. در تفکر اسلامی - و به طور خاص شیعی - محوریت این تصمیم گیری ولایت فقیه است. (رضایی، ۱۳۸۶: ص ۶۲) یکی دیگر از موانع احیای تمدن اسلامی، وجود برخی روایات و یا استنباط ها و برداشت های نادرست از روایاتی است که در منابع اسلامی آمده است؛ از جمله، روایاتی که پرچمداران قیام ها را، طاغوت معرفی کرده و یا قیام های قبل از ظهور حجت را شکست خورده تلقی می کند، در حالی که تمسک به چنین اخباری از جهاتی ممنوع است؛ چرا که برخی از آن ها جعلی و برخی هم به موضوع و حادثه شخصی مربوط است. بعضی از روی تقیه صادر شده و قسمتی هم از برداشت های غلط ناشی بوده است. علاوه بر این، تمسک به چنین روایاتی با ادله قطعی عقلی و نقلی سازگاری ندارد؛ چرا که آیات و روایات زیادی مثلاً درباره امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه و جهاد با دشمن و عدم پذیرش ظلم و... وارد شده است، که با مفاد آن روایات در تعارض است.

در هر حال این هم یکی از چالش های موجود بوده است که حضرت امام خمینی (ره) بارها در مقابل آن موضع گیری کرده اند. ایشان در این خصوص می فرمایند:

«ممکن است فراوان، روایت را نشان بدهند که [بوسیله] عمال ظلمه و آخوندهای درباری در تعریف و تمجید سلاطین جعل شده است. به طوری که ملاحظه می کنید با دو روایت ضعیف چه بساطی راه انداخته اند و آن را در مقابل قرآن قرار داده اند. قرآنی که جدیت دارد [که] بر ضد سلاطین قیام کنید و موسی را به قیام علیه سلاطین و امی دارد» (خمینی، ۱۳۷۷: ص ۱۳۵).

برخی عقیده دارند تشکیل حکومت اسلامی تنها وظیفه امام معصوم (علیه السلام) است و هر حکومتی جز حکومت معصوم (علیه السلام) ناحق است. یکی از طرفداران این نظریه می گوید:

«شما آن مصداق حاکم اسلامی را نشان بدهید، آنی که معصوم از گناه باشد. آنی که از هوا و هوس و حب ریاست و... به هیچ وجه در او اثر نکند، نشان بدهید، او بیاید میدان، جلو بیفتد، ملت می افتد به پایش». حضرت امام راحل رحمه الله در پاسخ به این نوع تفکر می فرمایند:

«اعتقاد به چنین مطالبی یا اظهار آن ها، بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است... هر که اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است» (ضمیری، ۱۳۸۷: ص ۱۳۵).

بر مبنای این مقدمات، یکی از آسیب هایی که به شدت تمدن نوین اسلامی را تهدید می کند عدم پیروی از رهبری واحد و نداشتن اتاق فکر و تصمیم گیری است. در تاریخ

موارد متعددی از تمدن‌ها و حرکت‌های تمدنی فکری و فرهنگی به چشم می‌خورد که در اثر تشنگی آرا و عدم تصمیم‌گیری واحد، نتوانسته‌اند دوام چندانی داشته باشند. گروه‌های مرجع در جوامع از اهمیت فراوانی در عرصه فرهنگ‌سازی و ایجاد مدنیت نوین برخوردار می‌باشند. هرچه این گروه‌ها بهتر و بیشتر در مسیر صحیح و اسلامی حرکت کنند تمدن‌سازی نوین اسلامی بادقت و سرعت بالاتری صورت خواهد گرفت. به یقین یکی از راه‌ها و راهبردهای اساسی مبارزه با تهدیدهای فرهنگی و مقابله با هجمه تمدنی و فرهنگی دنیای غرب، تأکید بر روی هویت و اصالتها و ارزشهای دینی جوامع اسلامی و بالتبع تجدید اعتلای تمدن اسلامی می‌باشد، علی‌الخصوص برای نسل‌های جوان و نیز نخبگان و تحصیل‌کردگان جامعه که به عنوان گروه‌های مرجع شناخته شده‌اند. انحراف و غرب‌زدگی در میان این طبقه از جامعه منجر به ایجاد انحراف و دور شدن از اهداف و آرمان‌های تمدن نوین اسلامی خواهد شد (نقوی، ۱۳۶۳: ص ۱۳۵). آنچه مسلم است این است که وظیفه گروه‌های مرجع در این حوزه بسیار خطیر است و بر آنان است که با توجه کامل بر این مساله زمینه ساز ایجاد و گسترش تمدن نوین اسلامی گردند.

جدایی دین از سیاست

یکی دیگر از عوامل انحراف و سقوط مسلمین از قدرت، تلقی جدا بودن دین از سیاست و نیز ترویج آن است. لازم به ذکر است که ریشه چنین تفکری به پایان قرون وسطی در اروپا بر می‌گردد و پیدایش این تفکر در اروپا به منظور تقلیل و یا از بین بردن قدرت کلیسا و نیز فلسفه «اسکولاستیک» حاکم بر آن بود. بدیهی است وارد کردن چنین تفکری در فرهنگ اسلامی سزاوار نبوده و امری نابخردانه است. قیاس اسلام با مسیحیت موجود از جهاتی مع الفارق است: الف) رویکرد کلیسای سنتی در تبیین جهان و شکوفایی علم، متحجرانه بود در حالی که چنین رویکردی مطرود اسلام است و با شکوفایی علم، مخالف نبوده است بلکه در تعالی آن کوشیده و در موقعیت‌های متعدد مشوق عالمان بوده است. ب) سیره و سنت عملی کلیسا، پرداختن به حوزه اخلاق و غفلت از حوزه‌های دیگر بود. تفکیک کار حکومت از کار خدا و دین و به عبارتی جدا انگاری نهاد دین از نهاد سیاست به صراحت در گفتار کشیشان مطرح بوده است.

در حالی که اسلام چنین رویکردی را نپذیرفته و برای تمام شؤونات فردی و اجتماعی دنیوی و اخروی انسان برنامه ارائه کرده است (ورعی، ۱۳۸۷: ص ۶).

متأسفانه جوامع مسلمین از خطر این نوع تفکر در امان نماند و بعضی از عمال حکومت‌های مسلمین و نیز بعضی از روشنفکران وابسته، به ترویج و اشاعه این تفکر نامیمون در جوامع اسلامی پرداختند و اثرات نامطلوب آن هم بر این جوامع و جامعه اسلامی ایران، هویدا

گردید و این خود، موجب وارد آمدن ضربه سنگینی بر پیکره قدرت سیاسی اسلام گردید. رویه حرکت های بیدارگرانه و ضد استعماری و با ماهیت مبارزه با غرب، به سرعت در حال افزایش و گسترش است. با توجه به سرعتی که این گونه فعالیت ها دارند تشخیص و دقت نظر در بطن حرکت ها و توجه به ماهیت آنها بسیار ضروری است. سیاست زدگی و افسون قدرت باعث سو استفاده از اینگونه جریان های مردمی و خیزش ها به سوی تشکیل تمدنی نوین می گردد. در بعضی از موارد پس از موفقیت اولیه حرکت، ماهیت واقعی آن به تدریج تغییر یافته و مبتنی بر منافع مادی و سیاسی که می تواند ملی گرایانه محض و غیر دینی باشد، نمود پیدا می کند و ماهیت درونی اسلامی آن مورد غفلت واقع می شود.

عدم احساس استقلال ملت ها و خود باختگی آن ها در برابر بیگانگان:

از سویی سلطه فراگیر فرهنگ غرب و شرق بر جوامع اسلامی و باوراندن این مطلب که چنین جوامعی بدون اتکای بر فرهنگ غربی و شرقی نمی توانند به حیات خود ادامه دهند و از طرفی، تاثیرپذیری برخی از روشنفکران داخلی از فرهنگ های بیگانه، این باور را در آن ها بوجود آورد که با عدم اتکا بر قدرت های اجنبی، نمی توانند زنده باشند و یا حق حیات برای آن ها ثابت نیست. و چنین تفکری باعث جایگزینی فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ دینی و نقطه انحراف از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) گردید.

امام خمینی (ره) در این زمینه می فرماید:

«یکی از مصیبت های مهمی که برای ملت بار آوردند این که ملت را نسبت به خودشان هم بدبین کردند. به این معنا که ما اگر یک مریض پیدا کنیم در تهران،... می گویند که این جا نمی شود، بروید به انگلستان، بروید به پاریس، این مطلبی است که از دست آن ها برای ما پیدا شده است؛ یعنی ما خودمان را باختیم در مقابل آن ها» (موسوی خمینی، ۱۳۶۱: ص ۲۱۵).

چالش های تمدن نوین اسلامی

در راه ایجاد و توسعه تمدن نوین اسلامی مشکلاتی وجود دارد که غلبه بر آنها مشکل است. نمونه هایی از این گونه مشکلات که می توان آنها را چالش قلمداد کرد عبارتند از:

تقلید گرایی از فرهنگ غرب:

لازمه ساختن تمدن نوین اسلامی پرهیز از تقلید از تمدن های غربی است. در دوره ای فردی مثل تقی زاده که در بین چهره های روشنفکر غربگرا، از شهرت خاصی برخوردار است، نه تنها شعار «از ناخن پا تا موی سر باید غربی شد» را سرداد، بلکه به تعبیر خود «اولین بمب تقلید از غرب را در ایران منفجر کرد» (علوی، ۱۳۸۵: ص ۲۳) و در نهایت به این آموزه ها نیز عمل نمود و تلاش فراوانی در همسان سازی اعمال و رفتار مردمان با

شیوه‌های تمدنی غرب صورت داد اما نتیجه‌ای جز تعارضات اجتماعی را در بر نداشت. تقلید کورکورانه و تناسب نداشتن فرهنگ و تمدن غربی با فرهنگ اسلامی جاری در ایران موجب از هم گسیختگی اجتماعی شد. تهاجم فرهنگی یکی از مظاهر تلاش برای تحمیل سبک و سلوک زندگی غربی به سایر ملت‌هاست.

تهاجم فرهنگی از جمله مهم‌ترین چالش‌ها در روند استقرار تمدن نوین اسلامی در جامعه است. فرهنگ و تمدن غربی که با تکیه بر ابزارها و امکاناتی که در قرون اخیر بدان دست یافته است در تلاش است که بتواند سیطره فرهنگی خود را بر تمام جوامع بشری افکند. بدین روی تمدن غربی در تلاش است فرهنگ مادی صرف که همه چیز را در مادیات و منافع دنیوی می‌بیند در تمام جوامع تبدیل به فرهنگ غالب نموده و راه را بر هر نوع بدیلی ببندد. آنچه تمدن غرب با وجود تمام پیشرفت‌های خود، نتوانست به آن دست یابد عدم اعطای آرامش معنوی و روحی به انسان به واسطه عدم توجه به جنبه‌های حقیقی تمدن و رعایت اصول و مبانی الهی در سبک زندگی انسان و دوری از اخلاق و معنویات است. چالش جدی تمدن نوین اسلامی در تقابل با این تهاجم فرهنگی و بیرون راندن آن از لایه‌های مختلف اجتماع است. با توجه به تلاش‌های فراوانی که غرب در حداقل صد ساله اخیر در راستای گسترش فرهنگ خود در سطح جهانی نموده است توانسته است از طرق مختلف موفقیت‌های فراوانی را کسب کند. رواج فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل در جوامع از جمله نتایجی است که در اثر این تلاش‌ها ایجاد شده است (محمد مدنی بجستانی، ۱۳۷۴: ص ۸۴).

تأثیرپذیری شتابزده از فرهنگ بیگانه و باور این نکته که سعادت و رشد ما در گرو پذیرش بی‌چون و چرای فرهنگ و عملکرد بیگانه است، اثر هجوم افکار بیگانگان غربی و شرقی در کشورهای اسلامی بود. این عامل نیز یکی از مشکلات مهم در استقرار فرهنگ و حکومت دینی و استقلال عزت اسلامی به شمار می‌رود. در این زمینه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه پرهیز کامل از تقلید از سبک و سلوک زندگی در تمدن غربی خاطر نشان کردند: ما البته بنای بر غرب ستیزی نداریم، اما براساس بررسی و تحقیق تأکید می‌یم که تقلید از غرب، هیچ ملتی را به جایی نمی‌رساند. پوسته فرهنگ غربی پیشرفت ظاهری است اما، باطن آن «سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آفرین هویت‌زدایی ضد معنویت» است. ایشان، با اشاره به تقلید از فرهنگ غربی در برخی مظاهر زندگی در کشور افزودند: باید با فرهنگ‌سازی لازم، یک حرکت تدریجی در زمینه اصلاح این مسئله ایجاد شود. چنانچه در بخش دیگری از سخنان خود، سوء استفاده گسترده غرب از ابزار هنر بویژه هنرهای نمایشی و سینما را مورد اشاره قرار دادند و افزودند: سیاست‌مداران غربی با استفاده از این روش، بدنبال سلیقه‌سازی و ترویج سبک زندگی غربی در جوامع دیگر

هستند. ایشان همچنین با استناد تحقیقات به عمل آمده افزودند: آنها در پروژه هایی تعریف شده، و با استفاده از جامعه شناسان، روانشناسان و مورخان، نقاط ضعف ملتها بویژه ملتهای اسلامی را بررسی می کنند و با شناخت راههای تسلط بر آنها، ساخت فیلم های خاصی را به فیلم سازان سفارش می دهند که در این زمینه همه مسئولان و مردم باید از فرهنگ اصیل خود و شور، مراقبت کنند. معظم له بر این نکته تأکید دارند که: انقلاب اسلامی دارای توانایی، ظرفیت و انرژی متراکمی است که می تواند همه موانع را از سر راه بردارد و تمدن «ممتاز، متعالی، برجسته و باشکوه» اسلامی را در مقابل چشم همه جهانیان بر پا سازد (معینی پور، ۱۳۹۱: ص ۷۶).

اختلافات و عدم انسجام و وحدت در بین مسلمانان:

وحدت و همبستگی از علائم حیاتی یک اجتماع می باشد و جامعه امروز مسلمین به دلیل اختلافات داخلی و نزاع عای آنان یک جامعه مرده می باشد. چالش بسیار جدی که امروزه اکثر کشورهای اسلامی با آن دست و پنجه نرم می کنند اختلافات قومی و مذهبی است. این مساله قرن هاست که به طرق مختلف ایجاد گردیده و بر آن دامن زده شده است. وحدت میان مسلمین به معنی نزدیک شدن فرقه های اسلامی به یکدیگر، با حفظ کیان و ماهیت آنهاست.

با توجه به گسترش دنیای اسلام و اینکه جمعیت مسلمانان بیش از یک میلیارد نفر و روز به روز در حال افزایش است طبیعی است که دشمنان اسلام نیز بیشتر می شوند و بیکار نمی نشینند و با نیرنگ ها و دسیسه ها باعث تفرقه و از بین بردن اتحاد بین مسلمین می شوند. از این رو باید عوامل وحدت مسلمین را شناسایی و با راهکارهای درست و بجا به کار بست و استفاده نمود تا روابط بین آنها تحکیم شود و احدی نتواند زنجیر پیوند آنها را از هم بشکند و از بین ببرد.

امام خمینی (ره) به عنوان یک روشنفکر مذهبی و یک مسلمان واقعی تمامی جوانب را در نظر گرفته و برای امت اسلامی تلاش می کرد. اندیشه وحدت از دیدگاه امام خمینی وسیله و ابزار اصلی نفی سبیل و سلطه غیر مسلمان بر امت اسلامی بوده و وحدت رمز پیروزی و بقای امت اسلامی است (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ص ۸). از جمله چیزهایی که برای قیام مسلمانان و مستضعفان جهان علیه چپاولگران جهانی و مستکبران جهانخوار لازم به تذکر است آن است که نوعا قدرتهای ستمگر از راه ارباب و تهدید یا بوسیله بوقهای تبلیغاتی خودشان و یا بوسیله عمال مزدور بومی خائن شان مقاصد خود را اجرا می کنند در صورتی که اگر ملتها با هوشیاری و وحدت در مقابلشان بایستند موفق به اجرای آن نخواهند شد (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ص ۹۱).

امام خمینی تفرقه - چه تفرقه میان دولت‌ها، چه تفرقه میان ملت‌ها و دولت‌ها، چه تفرقه بین مسلمانان و چه بین فرق مختلف اسلامی و چه تفرقه میان مسلمانان و غیر مسلمانان - را یکی از مهم‌ترین مشکلات جهان اسلام و اساسی‌ترین آسیب‌ها در دستیابی به «تمدن اسلامی» می‌دانند که به وسیله استعمار گران ساماندهی می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۳۷۴).

رمز ای که امام پیوسته بر وحدت شیعه و سنی تأکید می‌کردند و وحدت میان اقشار گوناگون، اعم از حوزوی و دانشگاهی، عرب و فارس، کرد، لر، بلوچ، ملت و دولت را در سخنرانی‌های متعدد عنوان می‌کردند، همین بود که مبدا دشمنان اسلام و دیگر ملت‌ها از اختلاف‌ها به نفع خود بهره‌برداری کنند.

در صورتی که وحدت در میان مسلمانان جاری گردد تحقق تمدن نوین اسلامی با سرعت بسیار بیشتری امکان پذیر خواهد بود. دشمنان به خوبی بر این نکته واقف گردیده و در تلاش هستند تا بتوانند این روند را با روش‌های گوناگون متوقف سازند. نمونه‌های این تلاش‌ها، ایجاد و حمایت از گروه‌های تروریست و ارهابی در میان مسلمانان و تقویت و پشتیبانی از آنان مانند طالبان و القاعده است.

طغیان مادی‌نگری و پوچ‌گرایی در تفکر جامعه:

با توجه به ظهور و بروز اغلب جریان‌های پوچ‌گرا در غرب و شیوع آن‌ها به نقاط دیگر، می‌توان گفت: ایدئولوژی مکاتب غربی که بر پایه اومانیسم بنا نهاده شده است، پاسخگوی نیازهای اساسی بشر نبوده و علی‌رغم توسعه علم، ثروت و قدرت نظامی در این کشورها، احساس آرامش و امنیت در میان مردم وجود ندارد و روز به روز آمار جنایت، قتل و انواع فسادها رو به افزایش است؛ لذا تدوین و تبیین تمدن نوین اسلامی که بر پایه خدامحوری و ارزشهای والای انسانی بنا نهاده شده است، می‌تواند نقش مهمی؛ اولاً در اصلاح رویه‌ها و ساختارهای کشور و الگو شدن آن برای دیگر کشورهای مسلمان داشته باشد و در ثانی، در رشد اسلام و صدور آن به جهان، تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

بزرگترین انتقادی که بر تمدن غرب وارد می‌شود این است که تمدن غرب بیشتر محصول تجربه مادی است تا تجاربی که از خاستگاه و نیازهای معنوی بشر شکل گرفته باشد. در قرون وسطی رفتار دور از انسانیت داعیه داران مذهب (کشیشان) با دانشمندان و مردم، باعث فاصله گرفتن آنها از دین شد، که این امر دو نتیجه را دربرداشت: ۱- پرداختن به ظواهر اشیاء و بی‌اعتنایی به تحقیق در ماهیت آنها ۲- جایگزین کردن تفکر انسان محوری به جای تفکر خداپرستی.

دست‌آورد دیگر غرب مدرن، نیهیلیسم بود که در فارسی معادل پوچ‌انگاری یا یأس

فلسفی ترجمه شده است. طرفداران نیهیلیسم، ساحت غیبی و حضور خدا را نیست می‌انگارند یا اگر به آن اعتقاد دارند برای این ساحت غیبی، جز مقام خالقیت، شأن حضور قائل نیستند؛ یعنی حضور، هدایت و تأثیرگذاری آن را بر زندگی رد می‌کنند (بهمن پور، ۱۳۸۶: ص ۸). بنابراین عقلانیت در دنیای متمدن غرب، در خدمت منافع مادی قرار گرفت و به چیزی جز منافع مادی نمی‌اندیشد.

مادی‌نگری از آثار مخربی است که تمدن غرب بر جوامعی که بر آنها تسلط پیدا می‌کند جاری می‌نماید. تفکرات صرفاً مادی و بر پایه منافع شخصی که چهره ویژه‌ای در مکاتب سیاسی و اجتماعی غرب دارد با گسترش در میان مسلمانان چالش بزرگی را در میان اقوام و جوامع مسلمان ایجاد نموده است. نگاه مادی غالب در تفکر تمدن غرب با امکانات نظامی که در اختیار مستکبران قرار داده است در تعارض جدی با دستورات و تعالیم اسلام قرار دارد. این تفکر و رویکرد باعث شده است که تلاش مردمان نه بر رفع مشکلات و حوائج اقتصادی، بلکه بر ثروت اندوزی و تجمل‌گرایی و تکیه و توجه به منافع شخص و مادی متمرکز گردد و مهمترین مشکلی که ایجاد خواهد نمود جلوگیری از جاری شدن فرهنگ اصیل اسلامی و به تبع آن ایجاد مانع در تشکیل تمدن نوین اسلامی خواهد شد (مددپور، ۱۳۷۷: ص ۳۸).

بی‌توجهی به ارزشها و سرمایه‌های دینی:

به هدر رفتن نیروهای فکری جامعه: یکی از سرمایه‌های با ارزش در هر جامعه مغزهای متفکر آن می‌باشد و بکارگیری صحیح این نیروها زمینه‌های ترقی و پیشرفت یک ملت را فراهم می‌سازد و در صورتی که این استعدادها و اندیشه‌ها در مجرای صحیح هدایت نشوند و در مسیر بیهوده مصرف شوند جامعه ذخایر قیمتی را از دست می‌دهد. امام خمینی (ره) در تبیین علت شکست‌ها و ضعف مسلمانان و برتری غرب بر آن‌ها به عوامل مختلفی اشاره می‌کند، ولی در بین آن‌ها بر یک مورد بیش از همه تأکید می‌نماید، به طوری که از نظر امام می‌توان آن را علت العلل ضعف و شکست مسلمانان در مقابل غرب دانست. اما به دلیل این که اندیشه و نظام فکری شان بر توحید و تعالیم دینی استوار است، آن دلیل را «دور شدن مسلمانان از تعالیم دینی» می‌دانند، به طوری که عواملی نظیر خیانت حاکمان کشورهای اسلامی، سستی مسلمانان در مبارزه و مقابله با هجوم فکری و سیاسی غرب، دل‌مشغولی مسلمانان به ارزش‌های مادی، گسترش فساد در جوامع اسلامی و... که باعث افول تمدن اسلامی، ضعف، تفرقه و شکست آنان در مقابل غرب شدند، همگی ریشه در یک عامل اساسی دارند که آن غفلت از تعالیم الهی می‌باشد (طاهری، ۱۳۸۸: ص ۱۲۳).

افراط و تفریط در ارزش ها :

احساس شخصیت و منش سبب پایداری اجتماع و سبب ایجاد حس بی نیازی از جوامع دیگر می گردد. ملتی که شخصیت و فلسفه مستقلی در زندگی دارا باشد در ملل دیگر تحلیل نرفته و جذب آنها نخواهد شد. افراط در پاره ای ارزش ها و غفلت از ارزش های دیگر سبب خروج از جاده اعتدال اسلام می گردد. هیچ تفاوتی نمی کند که عبادت گرای جامعه گریز باشیم یا جامعه گرای خدا گریز، این افراط و تفریط ها زیان های جبران ناپذیری در پی دارد.

شهید مطهری در مورد تمدن اسلامی می فرماید: اسلام پنج قرن (پانصد سال) تمدنی را در سه مرکز بزرگ (اندلس، مصر، و بغداد و ایران) به وجود آورد که مجموع اینها را «تمدن اسلامی» می نامند. شما از قول جامعه شناسان غرب در نظر بگیرید. مثلاً توین بی که یک مورخ جامعه شناس در زمان خودمان بود و چهار پنج سال بیشتر نیست که مرده است تمدنهای عالم را تقسیم بندی کرده است. سی و چند تمدن در دنیا تشخیص داده، بعد بعضی را کنار زده و بعضی را درجه ی اول در نظر گرفته تا به پنج تمدن رسیده است. باز برخی از آنها را کنار زده و به سه تمدن رسانده است. در میان آن سه تمدن بزرگ جهانی یکی را تمدن اسلامی می شناسد. دنیا تمدنی به نام تمدن اسلامی - نه تمدن عربی، نه تمدن ایرانی، نه تمدن هندی، نه تمدن ترکی - می شناسد. یکی از نیرنگهای غرب این بود که در پوست ملل مسلمان رفت او میان آنها در باب تمدن اسلامی تفرقه ایجاد کرد. [چون نمی شد این تمدن گذشته را انکار کرد، در پوست عربها رفت و گفت تمدن عرب. حتی گوستاو لوبون و ی کتاب می نویسد می گوید تمدن عرب. گو این که مترجم فارسی اش گفته تمدن اسلام و عرب، ولی او می گوید تمدن عرب، برای این که عرب بگوید این تمدن مال من بود. ولی وقتی که به ایران می آمدند نقیض و ضد آن را به ایران تلقین می کردند که ای تمدنی که در گذشته بوده تمدن ایرانی بوده، بوعلی سینا وابسته به تمدن ایرانی است و از بقایای تمدن ۲۵۰۰ ساله ی پیش تر است! در جشن ۲۵۰۰ ساله چقدر کوشش می کردند روی مسئله استمرار فرهنگی تکیه کنند که ما در ۲۵۰۰ سال پیش یک فرهنگ را آغاز کردیم و آن فرهنگ با روح خاصی که داشته است ادامه داشته تا به زمان ما رسیده است؛ بوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، حافظ، مولوی و خواجه نصیرالدین طوسی زاده ی آن فرهنگ اند، همان روح است که تا زمان ما استمرار پیدا کرده؛ در صورتی که این یک دروغ محض است. تمدنی که در دوره اسلام شروع شد با یک روح مخصوص شروع شد. این تمدن مثل هر تمدن دیگری از تمدنهای دیگر جهان استفاده کرد اما به صورت تغذیه نه به صورت التقاط، مثل هر جاندار جوای که پیدا می شود و از محیط خودش تغذیه می کند، ولی معنی تغذیه این است که او را هضم می برد

و به شکل خودش در می آورد و روح خودش را به او می دهد. اما کاری کردند که ملت ما از تاریخ خودش بی خبر و به آن بی اعتقاد و بی اعتماد باشد. سالهاست که در میان ما بیخ می کنند، یک تبلیغ دروغ که اسلام نه تنها تمدنی را پایه گذاری نکرد، تمدنهای گذشته را هم نابود کرد، تمدن مصر و تمدن ایران را از بین برد. این کارهای حساب شده است، می خواهند ملت مسلمان به تاریخ اسلامی خودش بدبین شود. تمدن امروز اروپا در کمال صراحت خودش را مدیون تمدن اسلامی می داند. خوب است که کتابهای فارسی در همین زمینه چاپ شده. همان کتاب تمدن اسلام و عرب گوستاو لوبون را بخوانید کافی است. کتاب کارنامه ی اسلام اثر یکی از اساتید دانشگاه تهران را بخوانید، روی مدارک ثابت می کند که تمدن امروز دنیا و تمدن اروپا تا چه حد مدیون تمدن اسلام است! ولی ما از تاریخ خودمان بی خبریم (مطهری، ۱۳۸۹: ص ۴۲).

موانع تمدن نوین اسلامی

بر سر راه تمدن نوین اسلامی، در کنار آسیب ها و چالش هایی که وجود دارد موانعی نیز باعث کندی حرکت و جلوگیری از انجام برنامه ها و تمدن سازی می گردد. نمونه هایی از این موانع را می توان این گونه نام برد:

مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان:

وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه همواره دغدغه اصلی متولیان و آحاد مردم بوده است. در واقع در صورتی که این مولفه با مشکل روبرو شود تاثیر فراوانی بر سایر جنبه های مادی و معنوی جامعه خواهد گذاشت. احادیث فراوانی درباره فقر در کتب حدیثی موجود است و توجه به باب های مربوط به امر تجارت و مسائل مالی در احکام فقهی نشانگر اهتمام خاص اسلام بر این مساله بوده است. فرهنگ سازی و ایجاد تمدن نوین جز بر پایه ساخت های اقتصادی که توان اجرای آنها را داشته باشد امکان پذیر نخواهد بود. منظور از این بحث رفاه کامل مادی جامعه نیست، بلکه ایجاد ثبات اقتصادی و جلوگیری از برهم ریختگی در این حوزه کمک زیادی بر پیشبرد اهداف فرهنگی خواهد نمود (رضایی، ۱۳۸۶: ص ۹۳). البته یکی از ضروریات حل مسائل اقتصادی نیز ارائه راهکارهای فرهنگی و بالابردن وضعیت فکری جامعه و دادن قوه درک و فهم دقیق مسائل بر مردمان است تا مسئولان امر را در رسیدن به اهداف مطلوب خویش یاری نمایند.

عدم به عقلانیت اسلامی:

از منظر اسلام عقلانیت ناظر به قوه عاقله درون انسان است که به کارگیری آن، یعنی تعقل، انسان را به سوی خدا سوق می دهد و بندگی او را به ارمغان می آورد. بنابراین عقلانیت اسلامی بدین معنی است که انسان با بهره مندی از قوه عاقله در جهت گرایش

های عالی انسانی و الهی تعقل می کند و حیات فردی و اجتماعی خود را به سوی خدا و بندگی او سوق می دهد. «در واقع تمدن اسلامی بدون عمومی شدن عقلانیت اسلامی بوجود نمی آید، لذا امروز وظیفه دانشمندان و روشنفکران مسلمان است که از یک سو در عقلانیت اسلامی به کاوش بپردازند و با اتکا به معارف فقهی و اصولی و همچنین با استفاده از دستاوردهای علمای اسلام در فلسفه، عرفان و حدیث و ... و معارفی که امروز بشر بدانها نائل شده، ماهیت عقلانی اسلام را کشف و اجزا و ارکان آن را دریابند و از سوی دیگر این معرفت را در حد مبانی و اصول که در عمل قابل کاربرد باشد برای عموم تشریح کنند.» (لاریجانی، ۱۳۷۰: ص ۲۳)

امام خمینی (ره) معتقدند انسان به طور کلی دارای سه نشئه و صاحب سه مقام و عالم است - نشئه آخرت، عالم غیب و مقام روحانیت و عقل؛ نشئه برزخ و عالم متوسط بین العالمین و مقام خیال؛ نشئه دنیا و مقام ملک و عالم شهادت - از این رو، بر این باورند که انسان دارای سه لایه عقلی، قلبی و ظاهری است که بعد عقلی، نیازمند به کمال؛ بعد اخلاقی نیازمند تربیت؛ و بعد ظاهری او نیازمند به عمل است. و دستورات انبیا و اولیا الهی برای عقل، کمال و برای قلب، تربیت و برای جوارح حسی، عملی مناسب محسوب می شود (خمینی، ۱۳۷۷، ص ۳۸۷). بر اساس مبنای فوق - اعتقاد به لایه های سه گانه وجود انسان - ایشان معتقد به سه سطح برای عقلانیت انسان هستند.

الف: «عقلانیت معرفتی» که در آن انسان به دنبال شناخت فلسفه آفرینش جهان و انسان و تنظیم رابطه خویش با خالق هستی و جهان و پاسخ به پرسش های بنیادین بشریت است.

ب: «عقلانیت اخلاقی» که به موجب آن انسان در پی آن است که با مجاهده نفس و استخدام اخلاق حسنه و ملکات فاضله در مسیر رسیدن به غایت قصوای الهی بر آید.

ج: «عقلانیت ابزاری» که براساس آن انسان ضمن همخوانی با سطوح دیگر عقلانیت - عقلانیت معرفتی و اخلاقی - در پی آن است که با کاربرست عقل در محاسبات مادی به شکوفاسازی جهان ماده و پیشرفت دنیوی نایل آید. نتیجه آن که امام خمینی (ره) عقلانیت معرفتی، اخلاقی و ابزاری و کار و تلاش را از ارکان تمدن نوین اسلامی برمی شمارند. (خمینی، ۱۳۸۵: ص ۸).

یکی از موانع اصلی پیشرفت در جامعه اسلامی دگم اندیشی دینی و مذهبی و عدم توجه به عقلانیت دینی است. اشاعره و اخباریان نمود اولیه و اصلی این نوع تفکر بوده اند. پویایی دستورات و احکام دینی که به اصطلاح فقه پویا نامیده شده است یکی از جنبه های مهم اسلام است که در میان برخی از جوامع مورد غفلت واقع شده و یا در برخی موارد دیگر با افراط مواجه گردیده و آسیب های جدی وارد نموده است.

عمده مشکلات و فاصله‌هایی که میان احکام و دستورات دینی و رفتار و فرهنگ مردم در جوامع مختلف بروز نموده است ریشه در نبود عقلانیت دینی داشته و عدم تفکر و تعقل رهبران دینی در احکام و بازنگری همراه با تفسیر و توضیح درست آن می‌باشد. از سوی دیگر عقلانیت صرف بدون داشتن سبقه و رنگ دینی و عدم مراجعه به ضروریات دین، باعث کج روی‌های زیادی شده است. هر دو لبه این بحث که همانا تکیه بر عقل بدون توجه به تعالیم دینی و بر خلاف آن دگم‌اندیشی و عدم اعتنا به تفکر و استنتاج عقلی در فرایند احکام فقهی مانع حرکت درست تمدن نوین اسلامی خواهند شد (براتلو، ۱۳۸۸: ص ۲۱۱). از این رو در دوران معاصر با توجه به سیطره تمدن غربی بر دنیا می‌بایست پیشقراولان عقلانیت اسلامی به دنبال شناخت و ارائه ساختارهای نوین تمدن اسلامی و تلاش در جهت مقبولیت عمومی آن باشند (لاریجانی، ۱۳۷۰: ص ۱۷)

نتیجه‌گیری

تمدن نوین اسلامی که در سال‌های اخیر روند ایجاد و تکوین آن در حال صورت گرفتن است با توجه به وضعیت اقتصادی، فکری و فرهنگی جوامع اسلامی و تلاش‌ها و مقابله‌های صورت گرفته از سوی غرب با آسیب‌ها، چالش‌ها و موانعی روبرو گردیده که از جمله آنها می‌توان به عدم پیروی از رهبری واحد، انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیر دینی برخی از جنبش‌ها، تقلید گرایی از فرهنگ غرب، اختلافات و عدم انسجام و وحدت در بین مسلمانان، طغیان مادی‌نگری و پوچ‌گرایی در تفکر جامعه، مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان و عدم توجه به عقلانیت اسلامی اشاره نمود.

راهکارهای مقابله با این چالش‌ها و موانع را می‌توان چنین بیان کرد:

انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیر دینی برخی از جنبش‌ها: دقت در تطابق فعالیت‌ها و اهداف با مبانی اسلامی و نیز شناساندن رهبران و مجریان حرکت‌ها پیش از رسیدن به مراحل نهایی.

تقلید گرایی از فرهنگ غرب: متفکران و اندیشمندان حوزه تمدن نوین اسلامی می‌بایست با ارائه راهکارها و روش‌نگری در میان مردم و همچنین تلاش در معرفی اهداف و نتایج پنهان فرهنگ‌های مهاجم غربی و آثار و نتایج مخرب آن تلاش نمایند تا این چالش جدی تبدیل به فرصت‌های مغتنمی برای هدایتگری بیشتر در جامعه گردد. بهره‌گیری مناسب و به روز از همان ابزارهایی که در روند تهاجم فرهنگی مورد استفاده غرب قرار می‌گیرد از جمله ماهواره و اینترنت در جهت مقابله با آن از راهکارهای مناسبی است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. آنچه تمدن غرب با وجود تمام پیشرفت‌های خود، نتوانست به آن دست یابد عدم اعطای آرامش معنوی و روحی به انسان به واسطه عدم

توجه به جنبه های حقیقی تمدن و رعایت اصول و مبانی الهی در سبک زندگی انسان و دوری از اخلاق و معنویات است. از این رو در جهت شکوفایی و گسترش تمدن نوین اسلامی می بایست از تقلید گرایی پرهیز شود.

اختلافات و عدم انسجام و وحدت در بین مسلمانان: راهکار اصلی در فرهنگ سازی و روشننگری در میان جوامع مسلمان است. برای تبدیل عوامل تفرقه به وحدت باید به حدیث ثقلین پیامبر توجه داشت، حدیث ثقلین یکی از حدیث های متواتر پیامبر اسلام است یعنی زیاد تکرار شده و امکان جعلی بودن آن صفر و غیر ممکن است. شیعه و سنی باید به دقت به آن توجه کنند. پیامبر می فرمایند: انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا بعدی: کتاب الله فیه الهدی والنور جبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی وان اللطیف الخبیر قد اخبرنی انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض وانظروا کیف تخلفونی فیهما. «من در میان شما دو امانت نفیس و گرانبها می گذارم یکی کتاب خدا قرآن و دیگری عترت و اهل بیت خودم. مادام که شما به این دو دست بیازید هرگز گمراه نخواهید شد و این دو یادگار من هیچ گاه از هم جدا نمی شوند. در این حدیث کامل به قرآن اشاره شده است که منبع محکمی برای شیعه و سنی است و آیات بسیاری در مورد وحدت و تفرقه آورده است که اگر شیعه و سنی به آن چنگ بزنند گمراه نمی شوند. همچنین در روایات بسیاری از ائمه معصوم نیز به این دو مهم یعنی وحدت و تفرقه اشاره شده است. فقط کافیسست با دیدی متفکرانه به آنها نگریست و نکات آن را استخراج کرد.

طغیان مادی نگری و پوچ گرایی در تفکر جامعه: بازخوانی و یادآوری تعالیم و دستورات دین مبین اسلام در این حوزه و بیان شیوا و در زبانی قابل پذیرش و امروزین از سوی رهبران فکری و فرهنگی جامعه و تلاش برای گسترش روحیه تعاون و همیاری در میان مسلمانان و اجرای درست احکام و قواعد اقتصادی اسلام نظیر احکام تجارت، خمس و زکات. جامعه ای که در پی ساختن تمدن نوین اسلامی است ضرورت دارد در جهت رسیدن به این هدف متکی به خود باشد و خودباوری را در جامعه رواج دهد. سرمایه دینی، سرمایه ای بس گرانبها برای هر جامعه ای است. تمدن سازی نوین دارای مشکلات و دشواری هایی است که صبر و استقامت و پشتکاری می طلبد که جز با توسل به سرمایه های امکان پذیر نخواهد بود. آنچه باعث می گردد هر فعالیتی به سرانجام مطلوب خود برسد داشتن خودباوری و باور به موفقیت است. این باور در ذات خود نیرویی به انسان می دهد که تلاش او را چندین برابر می نماید.

برای انجام هر کار، باید اول باور پیدا کنیم که این کار، می تواند انجام شود. اعتقاد داشتن به این که کاری می تواند انجام پذیرد، ذهن را برای یافتن راه انجام آن به حرکت

وای می‌دارد. وقتی به کاری باور داشته باشید، فکرتان راه‌های انجام آن را پیدا می‌کند. این آزمایش، تنها یک نتیجه دارد و آن این که وقتی بپذیرید که چیزی ناممکن است، فکرتان در پی دلایلی می‌گردد که این مطلب را اثبات کند؛ ولی وقتی باور حقیقی داشته باشید که کاری شدنی است، فکرتان راه‌های انجام آن را می‌یابد. باور داشتن به امکان تحقق مسائل، در حقیقت، جاده را برای راه‌حل‌های خلاق، هموار سازد؛ در حالی که باور داشتن به عدم تحقق آنها، تفکری ویران‌گر است. باور به اینکه می‌توان تمدن نوینی در جهان اسلام ایجاد نمود مسیر حرکت را روشن و هموار خواهد نمود.

مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان: در تمدن‌سازی جدید اسلامی، هدف اصلی اجرای صحیح تعالیم مکتب اسلام است. به کار بستن بی‌کم و کاست تعالیم اسلام باعث آن خواهد شد که از رویگردانی از اسلام به بهانه‌های مختلف جلوگیری گردد. اسلام هراسی که امروزه به شدت از سوی بنگاه‌های تبلیغاتی غرب ترویج می‌گردد ناشی از برخی کج فهمی‌ها و کج روی‌ها در عمل به تعالیم اسلام است. در گستره زندگی فردی و اجتماعی انسان، از اصطلاح عقل معاش نام برده شده است. عقل معاش را می‌توان در مفهوم جامع خود مترادف سبک زندگی دانست، زیرا ناظر به مهمترین محورهای سبک زندگی است، عقل معاش به تعبیری همان عقل زندگی، عقل اقتصادی و عقل اجتماعی است که به فردی که در جامعه زندگی می‌کند و به نوعی درگیر مسائل اقتصادی و اجتماعی است توانایی فعالیت موثر را می‌دهد. عقل معاش با شاخص‌هایی مانند الگوی مصرف، کار و تولید، شیوه گذران اوقات فراغت، آداب معاشرت، الگوهای زندگی خانوادگی، بهداشت، سلامت و بسیاری از مسائلی که در متن زندگی ما مطرح است ارتباط دارد.

عدم توجه به عقلانیت اسلامی: در فرهنگ اسلامی، قرآن کریم به عنوان تبیین‌کننده همه نیازهای آدمی در رأس منابع دینی قرار دارد. سرگذشت تمدن‌های پیشین و مطالعه تاریخ آنان به خوبی ضرورت عمل به تعالیم قرآن را بر ما آشکار خواهد نمود. بشر برای رسیدن به کمال نیازمند برنامه‌ای جامع و کامل است که بتواند با اعتماد و تکیه بر آن در مسیر نیل به کمال حرکت کند. ارائه الگوهای برجسته تفکر صحیح عقلانی بر پایه اصول و مبانی دینی پرداخت و نخبگان و اندیشمندان اسلامی را به سوی این مسیر روانه نمود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اردوش، محمد حسن. (۱۳۸۴). «تأملی بر مسأله‌ی وحدت اسلامی از دیرباز تا دیروز با ه بر جنبش اتحاد اسلام». تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۳. بهمن پور، محمد سعید. (۱۳۸۶). «فراز و شیب عقلانیت». تهران: نشر نوادر.
۴. خمینی، روح الله. (۱۳۷۷). «ولایت فقیه». تهران: سسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. خیری، حسین. (۱۳۹۱). «تمدن نوین اسلامی». قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۶. رضایی، عبدالعلی. (۱۳۸۶). «مهندسی تمدن اسلامی». قم: انتشارات فجر ولایت.
۷. ضمیری، محمد رضا. (۱۳۸۷). «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی». تهران: عروج.
۸. علوی، سید علی. (۱۳۸۵). «زندگی و ز نه سید حسن تقی زاده». تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
۹. مددپور، محمد. (۱۳۷۷). «زندگی در برزخ تمدن غربی و تمدن اسلامی». تهران: کتاب نقد.
۱۰. مدنی بجستانی، محمد. (۱۳۷۴). «مقابله با تهاجم فرهنگی». قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). آینده انقلاب اسلامی ایران». قم: نشر صدرا.
۱۲. موثقی، سید احمد. (۱۳۷۱). «استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام». قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۳. موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۶۸). «یفه انقلاب، و تنامه سیاسی - الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران». تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۶۸). «صحیفه نور». تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. یثم طاهری، میثم. (۱۳۸۸). «فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی». تهران: رکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۶. نقوی، علی محمد. (۱۳۶۳). «جامعه شناسی غرب گرایی». تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۷. ورعی، سید جواد. (۱۳۸۷). «امام خمینی و احیای تفکر دینی». تهران: موسسه چاپ و نشر عروج.
۱۸. براتلو، فاطمه. (۱۳۸۸). «درآمدی بر سرمایه اجتماعی بر پایه عقلانیت دینی». نامه پژوهش فرهنگی. سال دهم. شماره ششم.
۱۹. لاریجانی، محمد جواد. (۱۳۷۰). «تمدن نوین بر اساس عقلانیت اسلامی». نشریه مجلس و پژوهش. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۰. معینی پور، مسعود. (۱۳۹۱). «ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری». فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی. سال نهم. ش ۲۸. ص ۷۵ - ۵۱.